

Journal of Comparative Literature
Faculty of Literature and Humanities
Shahid Bahonar University of Kerman
Year 10, No 19, autumn / Winter 2018-2019

A Comparative Study of Abu Yaqube Sejestani and Roman Jakobson's Communication model and Theory

(Scholarly-Research)

Faramarz Jalalat¹, Ebrahim Danesh², Mohammad Farahmand³

Abstract

Every human being needs to send, receive and comprehend messages in a linguistic communication. In other words, Human beings code their messages and decode others' messages. This communication can occur in a context of six elements, namely, addresser, content, contact, code, message and addressee. Abu Ya'qub Sejestani was an Iranian dialectical theologian in the fourth century. Due to his research subject, namely, Ismaili dialectical theology, he studied precisely the mind and language system and the conditions of success or failure in a linguistic communication as an introduction to dialectical discussions. But, unfortunately, his linguistic theories were neglected due to researchers' dialectical approach to his book *Kashf-ul-Mahjoob*. This study is going to plan an efficient communication model based on mind and language system and its structure and elements in Sejestani's viewpoint and compare them with Roman Jakobson's theory and model of communication to show their common and different aspects and prove that although the discussions about the theory and model of communication became known by western linguists and, most importantly, by Roman Jakobson, it can be traced in all details and with equivalent terms in Abu Ya'qub Sejestani's communication theory, which has some advantages over Jakobson's theory and model.

Key Words: Sejestani, Jakobson, Theory, Communication.

¹ - Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Ardabil Branch, (Corresponding author): jalalat.faramarz@gmail.com

² - Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Ardabil Branch: e.danesh.lit@gmail.com

³ - Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Ardabil Branch: farahmand15@yahoo.com

Date Received: 04. 03. 2017

Date Accepted: 22. 06. 2017

نشریه ادبیات تطبیقی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ۱۰، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

بررسی تطبیقی نظریه و مدل ارتباطی ابویعقوب سجستانی و رومن یاکوبسن

(علمی - پژوهشی)

فرامرز جلالت*^۱، ابراهیم دانش^۲، محمد فرهمند^۳

چکیده

انسان به وسیله زبان، پیام خود را رمزگذاری و پیام دیگران را رمزگشایی می‌کند. ارتباط مذکور در بافتی متشکل از مؤلفه‌های شش‌گانه؛ گوینده، موضوع، مجرای فیزیکی، رمز، پیام و مخاطب قابل تصور و تحقق است. ابویعقوب سجستانی، متکلم ایرانی قرن چهارم، به واسطه موضوع مورد بحثش؛ کلام اسماعیلی، به بررسی دقیق و موشکافانه نظام ذهن و زبان و چگونگی تحقق و عدم تحقق ارتباط زبانی، به عنوان مدخلی برای ورود به بحث‌های کلامی پرداخته‌است، اما آراء زبان-شناسانه سجستانی به سبب رویکرد کلامی پژوهشگران به کتاب «کشف المحجوب» وی، در پرده خُمول مانده‌است. این مقاله بر آن است که برای نخستین بار نظریه و مدل ارتباطی کارآمدی بر اساس نظام ذهن و زبان و ساختار و مؤلفه‌های آن در نگره سجستانی ترسیم کند؛ سپس آن را با نظریه و مدل ارتباطی رومن یاکوبسن مقایسه کرده، وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها را نشان دهد و ثابت کند که نظریه و مدل ارتباطی زبان، اگرچه به نام زبان‌شناسان غربی، به‌ویژه رومن یاکوبسن شناخته شده است، پیش از وی با تمام جزئیاتش و اصطلاحاتی همسنگ آن، به انضمام امتیازاتی در کشف المحجوب سجستانی وجود داشته است.

واژه‌های کلیدی: ابویعقوب سجستانی، رومن یاکوبسن، نظریه و مدل ارتباطی

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران: (نویسنده مسئول):

jalalat.faramarz@gmail.com

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی: e.danesh.lit@gmail.com

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران: farahmand15@yahoo.com

۱- مقدمه

زبان مهم‌ترین و کارآمدترین ابزار ارتباطی بشر به شمار می‌رود. در مورد منشأ و دلیل پیدایش زبان این نظر احتمالی وجود دارد که: «انسان‌ها برای بقای خود احتیاج به میزان وسیع‌تری از همکاری با یکدیگر پیدا کردند، و این همکاری، مستلزم نظام ارتباطی کارآمدی بود.» (ایچیسون، ۱۳۷۶: ۳۴) بنابراین «وظیفه اصلی زبان عبارت است از بیان اطلاعات واقعی یا دادن دستورهای ضروری. این فعالیت، بعضی وقت‌ها وظیفه رهنمودی زبان، یا به طور ساده‌تر «بیان اطلاعاتی» نامیده می‌شود.» (همان) وجوه برتری زبان بر سایر نظام‌های ارتباطی، متعدد است؛ به عنوان نمونه، سیستم یا نظام زبان می‌تواند «از نسلی به نسل دیگر و از عصری به عصر دیگر وظیفه ارتباطی خود را انجام داده، پیام گذشتگان را به آیندگان برساند.» (باقری، ۱۳۸۹: ۷۲)

نقش‌ها و کارکردهای زبان متنوع و متعدد است که از میان آنها «نقش ارتباطی» آن بسیار مهم و پررنگ می‌نماید. زبان با انتقال اطلاعات و معارف بشری بین نسل‌ها و عصرها راه تکامل را هموار ساخته و ملت‌ها پیشینه و اندوخته‌های فرهنگی خود را مدیون این کارکرد زبان هستند. «تکامل اجتماعی انسان از طریق جامعه منتقل می‌شود و تنها وسیله‌ای که جامعه برای این انتقال در اختیار دارد زبان است.» (باطنی، ۱۳۷۰: ۱۴)

ابویعقوب سجستانی، اندیشمند ایرانی در کتاب «کشف المحجوب» به بررسی زبان، ویژگی‌ها و کارکردهای آن پرداخته است اما متأسفانه آراء ارزشمند وی مورد غفلت واقع شده، از خلال آثارش استخراج و به صورت نظریه‌ای منسجم و علمی ارائه نگردیده است. رومن یاکوبسن (Roman Jakobson) به عنوان یک فرمالیست برجسته، برای ارتباط

زبانی مدلی طراحی کرده و بر اساس آن، نظریه ارتباطی خود را سامان داده است.

ابویعقوب سجستانی، متکلم (dialectical theologian) شیعی ایرانی قرن چهارم هجری، نظام ذهن و زبان، وجوه و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن و چگونگی تحقق و عدم تحقق ارتباط زبانی را به دقت بررسی کرده است. با مقایسه آراء وی با نظریه ارتباطی رومن یاکوبسن درمی‌یابیم که نظریه و مدل ارتباطی مستخرج از آراء وی، به لحاظ دقت و کارآمدی، دست‌کمی از نظریه و مدل ارتباطی یاکوبسن ندارد اما چون هدف این دو

اندیشمند از پرداختن به موضوع زبان به عنوان نظامی ارتباطی، متفاوت بوده، اشتراکات و افتراقاتی بین آنها وجود دارد. مقاله حاضر، براساس آراء سجستانی درباره «نظام ذهن و زبان» از کتاب «کشف المحجوب» و نظریه مستخرج از آن، مدل ارتباطی ای را مطرح و با نظریه و مدل یاکوبسن مقایسه می کند تا تصویری گویا از اندیشه ها و آراء این دو اندیشمند و اشتراکات و افتراقات آنها به دست آید. از آنجا که بررسی علمی نظریات بسیار دقیق و موشکافانه اندیشمندان ایرانی و تطبیق آنها با آراء زبان شناسان دنیا می تواند بخشی از نقش ایرانیان را در این زمینه روشن نماید، ضرورت دارد تا نظریه و مدل ارتباط زبانی مأخوذ از آراء سجستانی که قرن ها پیش از یاکوبسن مطرح شده، به صورت علمی ارائه و با نظریات یاکوبسن مقایسه شود.

در باب ترسیم نمودار مدل ارتباطی (communication model) یاکوبسن، باید گفت: متأسفانه کسانی که به ترجمه و تبیین نظریه یاکوبسن و مدل ارتباطی وی از زبان انگلیسی پرداخته اند، تحت تأثیر زبان مبدأ (source language)، مدل ارتباطی یاکوبسن را از چپ به راست تصویر کرده اند که با توجه به جهت نوشتاری زبان مقصد (target language)، نادرست می نماید. در این مقاله مدل ارتباطی یاکوبسن و مدل های برگرفته از آن، مطابق جهت نوشتاری زبان فارسی از راست به چپ ترسیم شده است.

۱-۱- پیشینه تحقیق

تاکنون نظریات زبانی و ارتباطی ابویعقوب سجستانی چنان که شایسته است، مطالعه و بررسی و با آراء زبانی و مدل ارتباطی اندیشمندان برجسته حوزه نظریه ارتباطی جهان مقایسه و تطبیق نشده است و پژوهش های انجام شده، بیشتر پیرامون اندیشه کلامی و مذهبی وی بوده است. برخی از مهم ترین مطالعات انجام شده در مورد سجستانی و یاکوبسن از این قرارند:

محمد فرمند و همکارانش در مقاله «ذهن و زبان در نظریه ارتباطی ابویعقوب سجستانی» آراء سجستانی را بررسی و براساس آن، نظریه ارتباطی ای را به صورت مبسوط و به شیوه نموداری مطرح کرده، در این باره نوشته اند: «وی به صورت جدی در کتاب کشف المحجوب، به نظام ذهن و زبان پرداخته، نظریه ارتباطی خاصی را بر مبنای نظام نطق

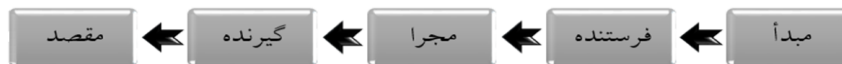
و زبان متشکل از وجوه و ساحات سه گانه قصد، طبع و عرف پایه گذاری کرده است. «فرهمنده و جلالت و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱) هانری کوربن در کتاب «تاریخ فلسفه اسلامی»، درباره جایگاه ابویعقوب سجستانی در فلسفه اسلامی نوشته است: «ابویعقوب سجستانی متفکر عمیقی که در حدود بیست تصنیف دارد که با قلمی موجز و بیانی دشوار نوشته است.» (کوربن، ۱۳۶۱: ۱۰۷)

تری ایگلتون (Terry Eagleton) در کتاب «پیش درآمدی بر نظریه ادبی» درباره دیدگاه یاکوبسن می نویسد: «ادبیات نوعی نوشته است که به گفته منتقد روس، رومن یاکوبسن، نمایشگر درهم ریختن سازمان یافته گفتار متداول است.» (ایگلتون، ۱۳۸۰: ۴) حسین پاینده در کتاب «زبان شناسی و نقد ادبی» ترجمه مقاله (Linguistics and Poetics) رومن یاکوبسن را آورده و نمودار مدل ارتباطی وی را ترسیم کرده است. (پاینده و خوزان، ۱۳۸۱، صص ۷۱ تا ۸۰) بابک احمدی در کتاب «از نشانه های تصویری تا متن» می نویسد: «نظریه ای که رومن یاکوبسن درباره ارتباط کلامی پیش کشیده است و شکل موجز بیان آن را می توان در مقاله «زبان شناسی و نظریه ادبی» او یافت سودمندترین و کامل ترین بحث است.» (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۳۶) رامن سلدن (Raman Selden) و پتر ویدوسون (Peter Widdowson) در مقدمه کتاب «راهنمای نظریه ادبی معاصر» نمودار مدل ارتباطی یاکوبسن و نقش های زبانی برآمده از آن را بررسی کرده، نوشته اند: «در نظریه های ادبی گوناگون تلاش بر آن است که یکی از کارکردهای ادبیات در کانون توجه و تأکید قرار گیرد.» (سلدن و ویدوسون، ۱۳۷۷: ۱۶) تقی پورنامداریان در کتاب «سفر در مه»، به طبیعت ابلاغ و کارکرد شعری زبان از دید یاکوبسن اشاره می کند و اجزای مدل ارتباطی وی را برمی شمارد. (ن.ک: پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۱) محمدرضا شفیعی کدکنی در «رستاخیز کلمات»، درباره یاکوبسن می نویسد: وی «علاوه بر مقام برجسته ای که از منظر مساهمت در بنیادگذاری فرمالیسم روسی داشته، در بسیاری از مکاتب و نحله های دیگر علوم انسانی نیز جایگاه ارجمندی را از آن خود کرده است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۳۴۹)

۲- ارتباط و دستگاه یا مدل ارتباطی

در طول تاریخ، هیچ‌یک از ابزارهای ارتباطی بشر به اندازه ارتباط زبانی کارآمد نبوده و بستر رشد و تعالی انسان‌ها و اجتماع را فراهم نکرده‌است. محمدرضا باطنی، ارتباط زبانی را چنین توصیف می‌کند: «ارتباط یعنی انتقال خبر از یک نقطه به نقطه دیگر. هر وقت ارتباطی برقرار شود، اجزایی که در انتقال خبر دخالت دارند، یک دستگاه ارتباطی به وجود می‌آورند.» (باطنی، ۱۳۷۰: ۱۲۰) وی می‌افزاید:

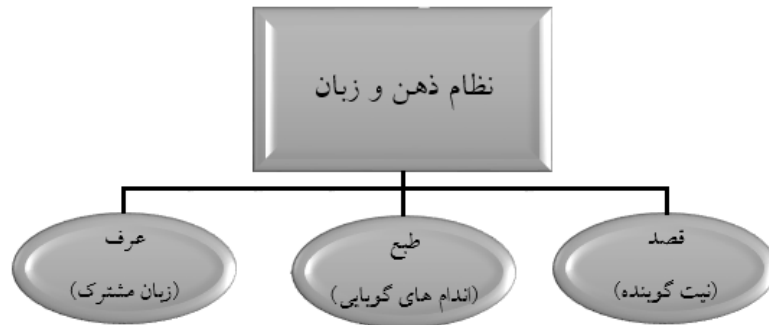
هر دستگاه ارتباطی دارای یک مبدأ و یک مقصد است که خبر از اولی به دومی منتقل می‌شود. این دو باید در زمان یا مکان از هم جدا باشند. در بین مبدأ و مقصد باید عامل پیوندهای باشد که چون پلی از روی فاصله زمانی یا مکانی عبور کند و انتقال خبر را از طریق خود ممکن سازد. به این عامل پیونده، مجرا (کانال) گفته می‌شود. برای اینکه خبر بتواند از مجرای ارتباط عبور کند، باید به شکل خاصی درآید؛ بنابراین، در مبدأ به عامل دیگری نیاز هست که به آن فرستنده گفته می‌شود. همچنین، برای اینکه خبر در مقصد قابل فهم باشد، باید پس از عبور از کانال به شکل اصلی خود برگردد. بدین ترتیب، در مقصد به عامل دیگری نیاز هست که گیرنده نامیده می‌شود. (همان: ۱۲۰ و ۱۲۱) اجزای مدل ارتباطی وی در نمودار زیر قابل ارائه است:



(نمودار ۱)

۳- زبان در اندیشه ابویعقوب سجستانی

در اندیشه سجستانی «زبان» (نطق) به معنای کلی آن، دارای وجوه یا مؤلفه‌های سه‌گانه «قصده»، «طبع» و «عُرف» است که مجموع آنها «نظام ذهن و زبان» را تشکیل می‌دهد. به طوری که نقص، حذف و نادیده گرفتن هر یکی از این اجزا، باعث عدم ارجاع نطق به ناطق و در نتیجه عدم برقراری ارتباط می‌گردد.



(نمودار ۲)

«وجه» یا مؤلفه نخست زبان در نظریه ارتباطی سجستانی، «قصد» است. منظور سجستانی از «قصد»، نیت موجود در ذهن «ناطق» (گوینده) است. «قصد» شخص «ناطق» (گوینده) و عدم مغایرت بین «ذهن» و «زبان» وی، شرط اساسی تحقق کارکرد ارتباطی زبان است. وی در این باره گفته است: «آگاه باش که نطق به ناطق بازگردد، به طبع و قصد و عرف... پس هر آن‌گه که قصد و طبع و عرف گردد آید، بازگردد نطق به ناطق و آن نفس است، تا نفس بدان، مُشرف گردد بر غرض سخن.» (سجستانی، ۱۳۶۷: ۳۶)

«وجه» یا مؤلفه دوم زبان از دیدگاه ابویعقوب سجستانی، «طبع» است که منظور وی از آن «اندام‌های گویایی» (organs of speech) است: «اما طبع، آلت‌های سخن است که ساخت است سخن گفتن را، چون حلق و زبان و لبان.» (همان)

وجه «طبع»، منطبق بر بحث «اندام‌های گویایی» مطرح در آواشناسی (Phonetics) است که در آن «اندام‌های گویایی از سه حفره حلق، دهان و بینی تشکیل شده‌اند که همگی بالای حنجره قرار گرفته‌اند.» (حق شناس، ۱۳۷۱: ۴۴)

منظور ابویعقوب سجستانی از وجه» یا مؤلفه سوم زبان، «عرف» یا همان لانگ (langue) مطرح در اندیشه «سوسور» (Saussure) است که به صورت پارول (parole) (گفتار یا نوشتار) به فعلیت درمی‌آید: «اما عرف آن است که هر گروهی زبان خویش و لغت خویش دانند.» (سجستانی، ۱۳۶۷: ۳۶)

سجستانی لازمه بازگشتن «نطق» به «سخن پذیر» و برقراری ارتباط را اشتراکِ نظام ذهنی (عرف = لانگ) بین «ناطق» (گوینده پیام) و «سخن پذیر» (مخاطب آن) می‌داند و معتقد است که طرفین بایستی به زبان مورد تکلم آشنایی داشته باشند: «اگر ایدون که قصد راست آورد و آلت تمام بود و لیکن عرف درست نبود و سخن به خلاف آن گوید که در میان مردمان معروف بود، چنان که کسی، عجمی را گوید: «أُخْرَجُ» و تازی زبان را گوید: «بیرون شو»؛ سخن بازنگردد به سخن پذیر. (همان: ۳۶)

۴- عدم استقلال وجوه یا مؤلفه‌های زبانی

نبود هر یک از عناصر زبانی، فرایند فهم را دچار اختلال می‌کند. سوسور معتقد است: زبان مجموعه‌ای از صداها و واژه‌ها نیست، بلکه شبکه‌ای است از روابط که بر روی هم، نظام یا «سیستم»ی را به وجود می‌آورد. سوسور اصطلاح صورت (form) را برای نامیدن این شبکه روابط یا نظام زبانی به کار می‌برد تا آن را از صوت که جوهر مادی زبان است و به نظر او جزو زبان نیست، متمایز گرداند. (باطنی، ۱۳۸۲: ۷۹)

از نظر سجستانی نیز هیچ یک از وجوه سه گانه «قصد»، «طبع» و «عرف» استقلال ندارند و در کنار هم، معنا و ارزش پیدا می‌کنند.

۵- نظریه ارتباطی سجستانی

سجستانی، فرایند تحقق ارتباط را وابسته به حضور، صحت و کارکرد اجزای شش گانه ناطق (گوینده)، قصد (نیت گوینده)، طبع (اندام‌های گویایی)، عرف (زبان مشترک)، سخن (پیام) و سخن پذیر (مخاطب) می‌داند.

۵-۱- زنجیره اجزای نظریه ارتباطی سجستانی:

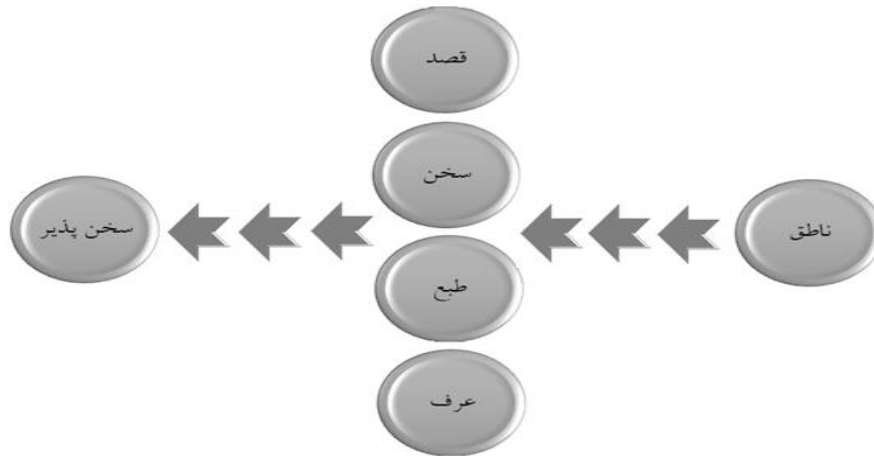
سلسله مراتب اجزاء در نظریه ارتباطی سجستانی به شکل زیر است:



(نمودار ۳)

سجستانی لازمه تحقق ارتباط را حضور بی‌عیب و نقص این اجزا می‌داند: «آگاه باش که نطق به ناطق بازگردد به طبع و قصد و عرف... چون این سه وجه گرد آید، قصد درست و آلت تمام و عرف معروف، آن‌گه سخن بازگردد به سخن پذیر تا مُشرف گردد بر قصد

آوازه‌های سخن.» (سجستانی، ۱۳۶۷: ۳۶ و ۳۷) دستگاه یا مدل ارتباطی مستخرج از آراء سجستانی به شکل زیر قابل ترسیم است:



(نمودار ۴)

۵-۲- تفرد و تعدد معنا در نظریه و مدل ارتباطی سجستانی

سجستانی در نظریه ارتباطی خود، بر اساس «گوینده»، به دو نوع ارتباط معتقد است:

الف) ارتباطی که گوینده در آن «شخص عادی» است.

ب) ارتباطی که گوینده در آن «ذات باری تعالی» است.

وی بر این اساس، انواع پیام را به سه دسته تقسیم می‌کند:

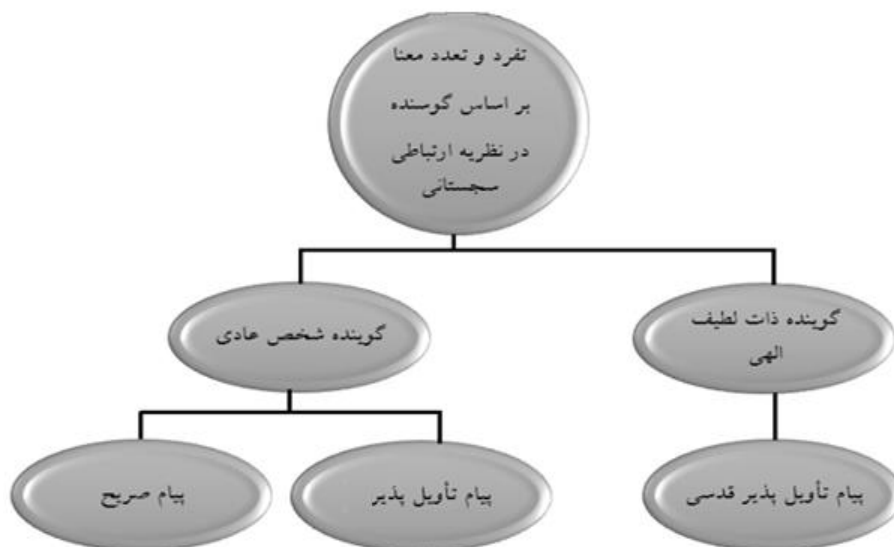
الف) پیام صریح (تأویل ناپذیر)

ب) پیام تأویل پذیر عادی (گوینده، شخص عادی)

ج) پیام تأویل پذیر قدسی (گوینده، ذات باری تعالی)

وی بین پیام «عادی» و «قدسی» تفاوت قائل شده و برای هر کدام، بحثی مستقل

اختصاص داده است. تقسیم‌بندی وی در نمودار زیر قابل ترسیم است:



(نمودار ۵)

سجستانی معتقد است که برخی از پیام‌ها می‌تواند منجر به برداشت‌های متعدد از سوی مخاطب شود که احتمالاً یکی از آنها مطابق با قصد (نیت) گوینده خواهد بود یا ممکن است از سخن و جملات و قضایای مطرح‌شده، قضیه یا سخنی که زایش و نتیجه منطقی سخن گوینده بوده است، برای مخاطب عاید شود. سجستانی در این باب می‌نویسد:

«و دیگر که نطق بازگردد به ناطق، افزون از آنکه در زیر زبان بود و این چنین حال ینبوع سخن بود، یعنی سرچشمه، و زایش‌های سخن که در زیر داوری‌ها افتد. پس هر گه که سخن برگردد و اندر دو داوری بسته شود، به قصدی درست و آلتی معتدل و عرفی معروف، بازگردد سخن به سخن‌پذیر، با زیادتی دیگر که در زیر سخن بود؛ مثال این چنان که گوید: «هر مردمی زنده است و هر زنده‌ای جوهر است» و چون قصد بشناختن هر مردمی و جوهریت هر زنده‌ای راست بود و آلات حروف وی که دو داوری بدان کرده شود، معتدل بود و عرف این آوازه‌ها دانسته بود، زیادتی دیگر ناطق را پدید آید. پس نطق به ناطق بازگردد، همچنان که در داوری مفرد بود و باشد که سخن به سخن‌پذیر بازگردد به دو حکم پیوسته با زیادتی که در زیر سخن بود و آن نتیجه بود.» (سجستانی، ۱۳۶۷: ۳۷)

فرایند ارتباط مذکور در نمودار زیر ارائه شده است:



(نمودار ۶)

مثال وی نیز در قالب نمودار زیر قابل ارائه است:



(نمودار ۷)

بنابر نمودار فوق، جمله «هر مردمی جوهر است»، زایش (نتیجه منطقی) دو جمله یا دو داوری (قضیه) «هر مردمی زنده است» و «هر زنده‌ای جوهر است» می‌باشد که مخاطب ممکن است آن را دریابد یا نه. بابک احمدی نیز بر آن است که:

«تأویل متن در حکم کوشش برای راه‌یابی به افق معنایی اصیل متن است. تأویل در هرمنوتیک کهن، استوار بر این باور است که متن به هر روی معنایی دارد، خواه ما آن را بشناسیم، خواه نشناسیم و این باوری است «کلام محوری» که به هر دلیل، معنا را موجود و حاضر می‌داند، جدا از این که ما به این «حضور» آگاه باشیم یا نه.» (احمدی، ۱۳۸۲: ۴۹۷)

سجستانی ادراک معانی پیام‌های قدسی و دلالت‌های فرامتنی نهفته در متون مقدّس را متعلّق به مؤیّدان الهی (انبیا و اولیا) می‌داند:

«و دیگر نطق را به ناطق بازگشتن، معنی دیگر است، شریف‌تر همه معانی سخن و آن، آن است که ایزد پیغمبران را و گزیدگان را کرامت کند بر راندن سخن‌های لطیف بر زبان ایشان که در آن معنی‌های لطیف نهاده بود، چنان که محمد را افتاد آن گرد آوردن شهادت اخلاص و آن معانی‌های شریف که اندرو پنهان بود و هیچ‌کسی درنتواند یافتن، آن

معنی‌های شریف، مگر مؤیدان، تا میزانی گشت که آسمان‌ها و زمین و نفوس را و حدود آن و آفرینش همه را بدین میزان برسنجیدند و نتوان دانستن، که بدان چند چیزها برسنجند و از آن‌جا چند معنی‌های شریف بیرون آورند. این است معنی بازگشتن نطق به ناطق.» (سجستانی، ۱۳۶۷: ۳۷)

وی بر این باور است که سخنان لطیف الهی، دارای بطون متعدد و معنی‌های لطیف است که ادراک آن نیز فقط در حیطة قدرت و کرامت الهی است و هر که را بخواهد، می‌بخشد.

۶- زبان در نگره رومن یا کوبسن

رومن یا کوبسن یکی از نظریه پردازان حوزه زبان‌شناسی و نقد ادبی است «که در تثبیت مشروعیت نگاه زبان‌شناسانه به ادبیات، نقشی بنیادین داشت.» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۳) وی معتقد بود: «زبان غالب‌ترین نظام بنیادین نشانه‌ای است که ذاتاً با سایر نظام‌های غیرزبانی نظیر خود تفاوت دارد.» (بردفورد، ۱۹۹۴: ۷۶) ریچارد بردفورد (Richard Bradford) در توضیح نظر یا کوبسن می‌نویسد: «تنها در نشانه صوتی زبانی است که مشارکت فیزیکی دو انسان، به‌عنوان گوینده و شنونده و شبکه پیچیده‌ای از روابط و دگرگونی‌ها لازم است.» (همان)

۶-۱- نظریه ارتباطی یا کوبسن

یا کوبسن در کتاب (*style in language*) بخش (*linguistics and poetic*) نظریه ارتباطی خود را بیان و مدل ارتباطی خود را که متشکل از اجزای شش‌گانه؛ گوینده، موضوع، مجرای فیزیکی، رمز، پیام و مخاطب است، ترسیم می‌کند و می‌نویسد:

پیش از بحث درباره کارکرد ادبی زبان، باید جایگاه آن را در میان دیگر کارکردها تبیین نماییم. ترسیم دورنمایی از این کارکردها، نیازمند مطالعه دقیق اجزای سازنده هر رویداد کلامی در ارتباطات گفتاری است. گوینده (ADRESSER) پیامی (MESSAGE) را به مخاطب (ADRESSE) می‌فرستد، پیام برای آن که مؤثر واقع شود، نیازمند موضوعی (CONTENT) است که برای گوینده، قابل بیان و برای مخاطب قابل فهم باشد و نیازمند رمزی (CODE) است که تمام یا بخشی از آن بین گوینده و مخاطب (به عبارتی دیگر بین رمزگذار و رمزگشا) مشترک باشد و سرانجام،

نیازمند تماس یا مجرای فیزیکی (CONTACT) و ارتباط روان‌شناختی بین گوینده و مخاطب است که هر دوی آنها را قادر به ورود و ادامه ارتباط می‌سازد. تمام این اجزا که در ارتباط کلامی وجود دارد در نمودار زیر قابل ارائه است:

موضوع

گوینده پیام مخاطب

مجرای فیزیکی

رمز

(یاکوبسن، ۱۹۶۰: ۳۵۳)

(نمودار ۸)

۶-۲- زنجیره اجزای نظریه ارتباطی یاکوبسن

سلسله مراتب اجزای نظریه ارتباطی یاکوبسن در نمودار زیر قابل ترسیم است:



(نمودار ۹)

۷- وجوه اشتراک نظریه ارتباطی سجستانی و یاکوبسن

۷-۱- اشتراک در تعداد مؤلفه‌های (elements) مدل ارتباطی

ابویعقوب سجستانی و رومن یاکوبسن هر دو در نظریه و مدل ارتباطی خود، تعداد اجزا و مؤلفه‌های لازم را برای تحقق یک ارتباط زبانی، شش جزء دانسته‌اند.

۷-۲- استفاده از ترمینولوژی (terminology) مشترک

اصطلاحاتی که ابویعقوب سجستانی و رومن یاکوبسن برای اجزای نظریه و مدل ارتباطی خود برگزیده‌اند، از انطباق‌پذیری فوق‌العاده‌ای برخوردارند؛ به نحوی که می‌توان ناطق را معادل گوینده، قصد را معادل موضوع، طبع را معادل مجرای فیزیکی، عرف را معادل رمز، سخن را معادل پیام و سخن‌پذیر را معادل مخاطب دانست.

۷-۳- بحث از تسلسل (chain hierarchy) و عدم استقلال مؤلفه‌ها

بر اساس هر دو نظریه و مدل ارتباطی، اجزای شش‌گانه مدل ارتباطی، علاوه بر حضور سالم و بی‌عیب و نقص، باید از توالی (sequence) و ترتیب (order) خاصی برخوردار باشند.

۸- وجوه افتراق نظریه ارتباطی سجستانی و یاکوبسن

۸-۱- تفاوت رویکرد (approach) سجستانی و یاکوبسن به زبان

سجستانی آراء زبانی خود را برای ورود به مباحث کلامی مطرح کرده و نگاه وی معناگرا و معنامحور است و انتقال و عدم انتقال معنا و عوامل و مباحث مربوط به آن از قبیل هرمنوتیک، در نگره او بسیار مهم است اما معنا و معناگرایی برای یاکوبسن که از نمایندگان برجسته صورت‌گرایی روسی به شمار می‌رود، اولویت اصلی نیست و بیشتر به بحث از نقش‌های زبان و مباحث مربوط به صورت و ساختار آن می‌پردازد.

۸-۲- ارائه مدون و نموداری (schematic) نظریه و مدل یاکوبسن

سجستانی بدون ترسیم نمودار و ارائه نظریه و مدل ارتباطی، آراء خود در باب ارتباط زبانی، اجزای تشکیل‌دهنده آن و چگونگی تحقق و عدم تحقق آن بیان نموده اما یاکوبسن نمودار نظریه و مدل ارتباطی، خود را ترسیم و تبیین کرده‌است.

۸-۳- عدم تصریح به نقش‌های زبان (language functions) معطوف به

اجزا از سوی سجستانی

سجستانی در ارائه آراء زبان‌شناختی خود و بحث ارتباط زبانی و اجزای تشکیل‌دهنده آن، اهمیت هر جزء را بدون توجه به نقش‌های زبانی معطوف به آن جزء، بررسی نموده‌است اما یاکوبسن، نظریه و مدل ارتباطی خود را با بیان نقش‌های زبانی معطوف به هر جزء بررسی و تشریح نموده‌است.

۸-۴- انواع ارتباط زبانی در نگره سجستانی

از آنجایی که موضوع بحث سجستانی «کلام الهی» و تأویلات ممکن آن است، وی پیام را بر اساس گوینده، به دو نوع «عادی» و «قدسی» تقسیم کرده، ویژگی‌های هر یک را بررسی و بیان کرده‌است، در حالی که در نظریه یاکوبسن چنین تقسیم‌بندی‌ای وجود ندارد.

۸-۵- تفرّد (being single) و تعدّد (multiplicity) معنا در نظریه و مدل

ارتباطی سجستانی:

سجستانی پیام‌ها را بر اساس تفرّد یا تعدّد معنا، به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱. پیام صریح و تأویل‌ناپذیر عادی

۲. پیام تأویل پذیر عادی

۳. پیام تأویل پذیر قدسی (الهی).

وی دریافت مفهوم پیام‌های دسته اول را برای همگان ممکن، دسته دوم را احتمالی و دسته سوم را مخصوص پیامبران الهی و مؤیدان وی می‌داند اما نظریه و مدل یاکوبسن فاقد این دسته‌بندی است.

۸-۶- توجه سجستانی به تأویل متن (hermeneutics)

تفسیر و تأویل آیات قرآن، به واسطه آیاتی از قبیل «وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا.» (نساء/۸۳) و احادیثی نظیر «انَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَ بَطْنًا وَ لِبَطْنِهِ بَطْنٌ إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ.» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۳۹)، از دیرباز موافقان و مخالفان زیادی بین فرق اسلامی داشته‌است. سجستانی به معناپذیری متن و کشف حقایق لطیف آیات الهی معتقد بوده، در کتاب «کشف المحجوب» بحث تعدد معنا و تأویل‌پذیری متن را به عنوان مقدمه مباحث کلامی مطرح کرده‌است. وی در مورد پیام‌های قدسی معتقد است که فقط کسی که مؤید به عنایات الهی است، توانایی تأویل آنها را دارد: «آگاه باش که حقایق علم، در حجاب است از ابلیس و ذریت او و ظاهر است نزدیک اولیای خدای و گزیدگان او زیرا که آن سر ایزد است که بدان آگاه کند آن کس را که خواهد از اولیای او.» (سجستانی، ۱۳۶۷: ۲)

۹- امتیازات نظریه و مدل ارتباطی ابویعقوب سجستانی

۹-۱- تقدم زمانی و کشفی نظریه و مدل ارتباطی ابو یعقوب سجستانی

سجستانی قرن‌ها قبل از یاکوبسن و با وجود تنگنای منابع علمی در این زمینه، به ارائه آراء دقیق زبان‌شناسانه خود پرداخته و بیشتر آراء او، کشف و استنباط‌های شخصی اوست.

۹-۲- کارآمدی نظریه سجستانی در عین متکلم بودن وی

بررسی زبان، موضوع اصلی کار ابویعقوب سجستانی نبوده و این مهم را به‌عنوان مدخلی برای ورود به مباحث کلامی انجام داده‌است. با وجود این، نظریه و مدل ارتباطی برگرفته از آراء وی، از نظر کارآیی کاستی‌ای نسبت به نظریه و مدل یاکوبسن ندارد.

۹-۳- تقدّم زمانیِ سجستانی در مهندسی ذهن و زبان

سجستانی، تحقّق ارتباط را وابسته به حضور هم‌زمان و بی‌عیب و نقص اجزای تشکیل دهنده ارتباط زبانی می‌داند:

«آگاه باش که نطق به ناطق بازگردد، به طبع و قصد و عرف... پس هر آن‌گه که قصد و طبع و عرف گرد آید، بازگردد نطق به ناطق و آن نفس است، تا نفس بدان، مُشرف گردد بر غرض سخن... و هرگه کزین [سه] قسمت یکی تباه گردد، بازنگردد سخن به سخنگوی و سخن باطل شود.» (سجستانی، ۱۳۶۷: ۳۶)

بنابراین، نقص هریک از وجوه و مؤلفه‌ها یا عدم حضور آنها باعث عدم برقراری ارتباط بین گوینده و مخاطب یا کج‌فهمی می‌شود. فرایندهای ارتباطی ممکن در «نظریه و مدل ارتباطی سجستانی» در جدول زیر قابل ارائه است:

ردیف	قصد (تَبَت گوینده)	طبع (اندامهای گویایی)	حرف (زبان مشترک)	سخن (پیام)	فرض (مفهوم سخن)	نتیجه	تحلیل و استنتاج نگارندگان
۱	درست	سالم	مشترک	درست	صریح و مشترک	بازگشت نطق به ناطق (گوینده)	برقراری ارتباط
۲	درست	سالم	مشترک	نادرست	صریح و مغایر	مغایرت صریح سخن با قصد ناطق (گوینده) و عدم بازگشت نطق به وی	عدم برقراری ارتباط در نتیجه خطا در انتخاب
۳	درست	ناقص	مشترک	نادرست	صریح و مشترک همراه با نقص آوایی	نقص اندامهای گویایی و عدم بازگشت نطق به ناطق (گوینده)	احتمال برقراری و عدم برقراری ارتباط در نتیجه نقص اندامهای گویایی
۴	درست	سالم	غیرمشترک	درست	صریح ولی مغایر با زبان مخاطب	عدم بازگشت نطق به سخن‌پذیر (مخاطب)	عدم برقراری ارتباط در نتیجه عدم اشتراک زبان
۵	درست	سالم	مشترک	درست	صریح و مشترک	بازگشت نطق به سخن‌پذیر (مخاطب)	برقراری ارتباط
۶	درست	سالم	مشترک	درست	تأویل‌پذیر و متعدد به دلیل زایش‌های سخن (برداشت‌های ممکن)	بازگشت قطعی نطق به ناطق (گوینده) و بازگشت احتمالی آن به سخن‌پذیر (مخاطب) و احتمال دریافت زیادت سخن (نتیجه ناشی از دو داوری)	احتمالی بودن برقراری ارتباط احتمالی بودن تحقّق خواست گوینده
۷	درست	سالم	مشترک	درست	تأویل‌پذیر و متعدد	بازگشت معنای قطعی و نهایی نطق به ناطق	احتمالی بودن برقراری ارتباط تأویل قطعی پیام فقط توسط گوینده (خداوند) و مؤبّدان وی به واسطه قدسی بودن کلام.

۳- نتیجه‌گیری

ابویعقوب سجستانی در قرن چهارم، به بررسی ارتباط زبانی، به صورت دقیق و موشکافانه پرداخته، در حالی که وی زبان‌شناس نبوده و بررسی زبان برای وی حکم مقدمه‌ای برای ورود به بحث‌های کلامی را داشته‌است. در اندیشه وی، نظام ذهن و زبان که از سه مؤلفه قصد، طبع و عرف تشکیل یافته‌است، برای تجلی به صورت گفتار یا نوشتار و برقراری ارتباط بین انسان‌ها، به یک بافت موقعیتی (situational context) نیازمند است که در آن بافت، علاوه بر مؤلفه‌های مذکور، اجزای دیگری از قبیل: گوینده، شنونده و پیام نیز حاضر باشند. این اجزای شش‌گانه بر روی هم، دستگاه یا مدل ارتباطی را می‌سازند که نظام ذهنی زبان در این مدل ارتباطی نمود عینی پیدا کند. آراء زبان‌شناسانه ابویعقوب سجستانی در زمینه ارتباط زبانی، هم به لحاظ تاریخی و هم به لحاظ آسیب‌شناسی ارتباط زبانی و مهندسی نظام ذهن و زبان، بر آراء یاکوبسن تقدم دارد. همچنین نظریه و مدل مستخرج از آراء وی، با نظریه و مدل یاکوبسن اشتراکات و افتراقاتی دارد. ابویعقوب سجستانی آراء زبان‌شناسانه خود را در حوزه زبان و ارتباط زبانی، به صورت غیرمدون و فارغ از متدولوژی (methodology) ارائه کرده‌است. وی اهمیت هر جزء را بدون توجه به نقش‌های زبانی معطوف به آن جزء بررسی کرده‌است اما یاکوبسن پس از ارائه نمودار مربوط به مدل ارتباطی خود و بیان اجزای آن، نقش‌های زبانی معطوف به هر جزء را بررسی و تشریح نموده‌است که می‌توان دلیل این امر را تفاوت رویکرد این دو اندیشمند به پدیده زبان دانست. با تبیین آراء سجستانی در باب ذهن و زبان و نظریه و مدل ارتباطی برآمده از آن، می‌توان گفت که نظریه و مدل ارتباطی یاکوبسن، ریشه‌هایی در آراء اندیشمندان شرق و غرب داشته‌است.

فهرست منابع

- قرآن کریم. (۱۳۷۶). ترجمه مهدی الهی قمشه ای. تهران: فیض کاشانی.
- احمدی، بابک. (۱۳۸۲). **ساختار و تأویل متن**. چاپ ششم. تهران: نشر مرکز.
- احمدی، بابک. (۱۳۸۴). **از نشانه‌های تصویری تا متن**. چاپ پنجم. تهران: نشر مرکز.
- ایچیسون، جین. (۱۳۷۶). **زبان‌شناسی همگانی**. ترجمه حسین وثوقی. تهران: علوی.
- ایگلتون، تری. (۱۳۸۰). **پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی**. ترجمه عباس مخبر. چاپ دوم. تهران: نشر مرکز.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). **درباره زبان**. چاپ دوم. تهران: آگاه.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۸۲). **نگاهی تازه به دستور زبان**. چاپ دهم. تهران: آگاه.
- باقری، مهری. (۱۳۸۹). **مقدمات زبان‌شناسی**. چاپ سیزدهم. تهران: قطره.
- پاینده، حسین و خوزان، مریم. (۱۳۸۱). **زبان‌شناسی و نقد ادبی**. چاپ دوم. تهران: نشر نی.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۱). **سفر در مه (تأملی در شعر احمد شاملو)**. تهران: نگاه.
- حق‌شناس، علی‌محمد. (۱۳۷۱). **آواشناسی**. (فونتیگ) چاپ سوم. تهران: آگاه.
- سجستانی، ابویعقوب. (۱۳۶۷). **کشف المحجوب**. با مقدمه به زبان فرانسه به قلم هانری گوربن. چاپ سوم. تهران: طهوری.
- سلدن، رامان و ویدوسون، پیتر. (۱۳۷۷). **راهنمای نظریه ادبی معاصر**. ترجمه عباس مخبر. چاپ دوم. تهران: طرح نو.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۱). **رستاخیز کلمات (درس گفتارهایی درباره نظریه ادبی صورت‌گرایان روس)**. چاپ دوم. تهران: سخن.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۳). **مفاتیح الغیب**. مع تعلیقات للمولی علی النوری. صححه و قدم له محمد خواجه‌جوی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- فرهمند، محمد و جلالت، فرامرز و دانش، ابراهیم. (۱۳۹۶). «ذهن و زبان در نظریه ارتباطی ابویعقوب سجستانی». **پژوهش زبان و ادبیات فارسی**. شماره ۴۵، صص ۲۱-۴۳.
- کوربن، هانری. (۱۳۶۱). **تاریخ فلسفه اسلامی**. ترجمه اسدالله مبشری. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.

– مهاجر، مهران و نبوی، محمد. (۱۳۷۶). **به سوی زبان‌شناسی شعر؛ رهیافتی نقاشگر**. تهران: نشر مرکز.

– منابع انگلیسی

- Bradford, Richard. (1994). *Roman Jakobson: Life, Language and Art*. London: Rutledge.
- Jakobson, Roman. (1960). “*linguistics and poetics*”. In “*style in language*”, Edited by Thomas A. Sebeok, 350-375. New York: Willey Publisher.